

مرور مہلات ترم اول

مستویان - فروغ دانش



شاخه های دانش ادبیات:

(در متوسطه اول و دوم)

۱_ دستور زبان

۲_ آرایه های ادبی

۳_ معنی و درک مطلب

۴_ تاریخ ادبیات

۵_ نگارش و املا

متهولان_ فروع دانش

دستور زبان:

مستویان - فروغ دانش

۱- جمله: مجموعه ای از کلمات که در کنار هم قرار می گیرند و معنی مشخصی را به شنونده می رساند.

۲- انواع جمله (محتوا):

- ۱- خبری . علی به خانه بازگشت
- ۲- عاطفی ! کاش نوبت بازی ما باشد و دیگر هرگز نوبت بازی دنیا نشود
- ۳- امری . عقل می گفت برو، عشق می گفت بمان سوء تفاهم شده است
- ۴- پرسشی ؟ سخن دانی به که ختم است ؟

۳- تعداد جمله:

- ۱- فعل ها
- ۲- فعل های حذف شده
- ۳- شبه جمله ها (۱: اصوات ۲: منادا)





مثال : برید و درید و شکست و بیست ^۴ ^۳ ^۲ ^۱ یلان راسرو سینه و پا و دست

تلاش کردن رمز موفقیت است^۱.

من آن نیم^۱ که تو را رها بلنم^۲

تو نیز اگر بخفتی^۱ به از آن^۲ که در پوستین خلق افتی^۳

هان^۱، ای دل عبرت بین^۲ از دیده عبر کن^۳ هان^۴

هم خانواده:

۱_ سه حرف اصلی (ریشه) آنها یکی باشد

۲_ سه حرف اصلی (ریشه) آنها به ترتیب یکی باشد

۳_ معنی آنها بهم نزدیک باشد

مثال:

مقصد_ قصد_ مقصود (ریشه قَصَدَ)

مظلوم_ ظلم_ ظالم (ریشه ظَلَمَ)

علم_ عمل (ریشه و معنی ها متفاوت اند _عَلَمَ و عَمَلَ)



نهاد: کلمه یا کلماتیست که در مورد آن خبری می‌دهیم

برای پیدا کردن نهاد می‌توان:

(چه کسی و چه چیزی) را از فعل جمله می‌پرسیم و همینطور به شناسه توجه کنیم

بنی آدم اعضای یک پیکرند.

مثال:

(من - محذوف) ای هدهد صبا به خدا می‌سپارمت.

متولیان - فروغ دانش



نفل: به کلانی که به روی داون حالتی و یا انجام گرفتن کاری دلالت می کنند

- ۱_ شخص ۲_ شمار ۳_ زمان
- مهمترین بخش جمله است
- بر اساس نقش پذیری ۲ دسته اند: ۱_ گذرا ۲_ ناگذر

علی آمد. ناگذر علی کتاب را خواند. گذرا



مفعول: برخی از فعل‌ها برای کامل کردن معنای جمله علاوه بر نهاد به مفعول نیز نیاز دارند.

۱- **روش‌های یافتن مفعول در جمله:** کلمه‌ای که قبل از را (نشانه مفعولی) می‌آید.

خالت را از روزهای بد، راحت کن

۲- هر کلمه‌ای که را پذیرد.

بصر منتهای جمالش نیافت

۳- پرسیدن سوال **چه کسی را** یا **چه چیزی را** + فعل جمله

دوست دارم که تو را شاد بینم ای دوست.

متولیان - فروغ دانش



مستم : برخی از فعل‌ها برای کامل کردن معنای جمله علاوه بر نهاد به مستم نیز نیاز دارند.

مانند : جنگید، آویخت، گروید، نازید و...

راه تشخیص مستم در جمله: کلماتی که بعد از حروف اضافه قرار می‌گیرند را مستم می‌گوییم

حروف اضافه شائل : از، به، با، در، برای، مثل، همچون، مانند، مگر، بجز، الا، اندر، بدون، بهر غیر، تا (اگر نشان دهنده مسافت باشد) و...

مثال : عقل گریخت از سرم، صبر پرید از دلم



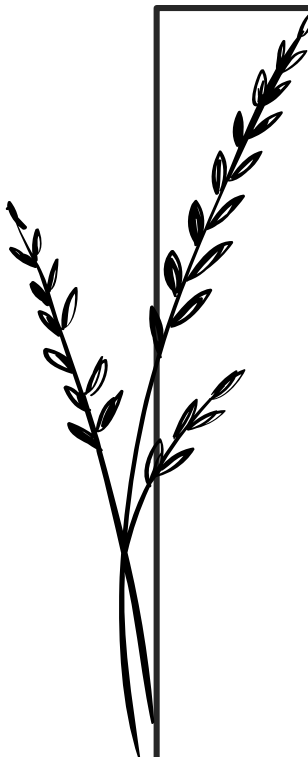
فعل اسنادی: به روی دادن حالتی دلالت می‌کنند یا چیزی را به چیز دیگر نسبت می‌دهد. (اسنادی یاربطنی)

فعل های اسنادی شامل: است، بود، شد، گشت و گردید (و مشتقات آن ها)

نکته: است و بود به معنی وجود داشتن و گردید به معنی چرخیدن و گشت و گذار نیاشد

مثال: من چقدر از شنبه های بیزار بودم.





مسند: در جمله ای که فعل اسنادی دارند، نقشی وجود دارد که حالتی را به نهاد نسبت می دهد، به آن نقش مسند می گوئیم.

روش یافتن مسند در جمله: پرسیدن سوال **چطور** یا **چگونه** + فعل اسنادی


مثال: زندگی، مثل کبریت کشیدن در باد **دشوار** است

ما به او **محتاج** بودیم او به ما **مشتاق** بود

برای گفتن از دوست شکوه ها به دلم **بود** (غیر اسنادی، به معنی وجود دارد)

آرپه های ادبی:

مستویان - فروغ دانش



تشبیه: مانند کردن چیزی به چیز دیگر به جهت شباهت

مثال: وجود تو همچو گلبرگ تری هست لطیف

ارکان تشبیه: ۱_ مشبه ۲_ مشبه به ۳_ ادات تشبیه ۴_ وجه شبه

وجود تو: مشبه_ همچو: ادات تشبیه_ گلبرگ تر: مشبه به_ لطیف بودن: وجه شبه



تشخیص: نسبت دادن ویژگی‌های انسانی به غیر از انسان

— خواهم شدن به میگده گریان و داد خواه کز دست غم خلاص من آنجا مگر شوم

(غم به انسانی تشبیه شده که حافظ قصد فرار از دست او را دارد)

— گل بخندید و باغ شد پدرام خندیدن که ویژگی انسان است به گل نسبت داده شده است

— گاه تنهایی صورتش را به پس پنجره می چسبانید...

(صورت داشتن به گل نسبت داده شده و آن گل صورتش را به پنجره چسبانده)



کنایه: بکار بردن سخنی که، دو معنی دور و نزدیک به ذهن دارد و مراد گوینده معنی دور باشد

مثال: در آن اجاق کهن آتشی نمی سوزد در آن اتاق تهی پر نمی زند مگسی

(خالی و تهی بودن)

(محتاج کسی بودن)

بر در کسی بالین نهادن

(پشیمان و حسرت)

انگشت به دندان گزیدن

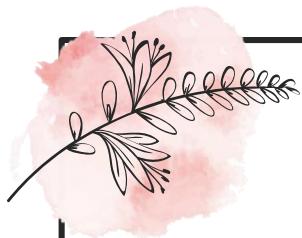
مراعات النظر:

آوردن واژه بانی از یک دسته که با هم هماهنگی دارند

مثال:

دردیست درد عشق که هیچش طیب نیست گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار زبان و دست و پایک کرده خدمتکار هم باشیم



واج آرایی: بکار بردن یک یا چند واج صامت یا مصوت در شعر یا اثر

مثال: نقش مستوری و مستی نه به دست من و توست آن چه سلطان ازل گفت بکن آن کردم

(واج آرایی حرف س)

جهان فانی و باقی فدای عارض ساقی (واج آرایی مصوت آ)

دلِ دردمندِ منِ خسته جانِ غریب (واج آرایی مصوت ی)

رسم عاشق کشی و شیوه شهر آشوبی جامه ای بود که بر قامت او دوخته بود (واج آرایی حرف ش)



تلمیح: زمانی که شاعر یا نویسنده بصورت غیر مستقیم در اثر خود به داستان، حکایت، رویداد تاریخی، آیه، روایت و یا حدیثی اشاره کند از آرایه تلمیح استفاده کرده است

مثال: عشق بادشوار و رزیدن خوش است چون خلیل از شعله گل چیدن خوش است

(اشاره به گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم (ع))

همچو یوسف به بر تخت بر آبی از چاه (اشاره به داستان حضرت یوسف)

بروای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گذارا

(اشاره به آیه ماعده ۵۵)



تکرار: بکار بردن دو یا چندین باره یک واژه به جهت گوش نوازتر کردن کلام

مثال: _ زاهد دهم پندز **روی** تو زهی **روی** هیچش ز خدا شرم و ز **روی** تو حیا نیست

_ عشق بازی را تحمل باید ای دل پای دار گر ملالی **بود** و گر ملالی **رفت رفت**

قافیه وردیف:

قافیه: کلماتی که در انتهای هر مصراع آورده می شوند و در وزن و حروف آخر یکسان اند

وردیف: کلماتی که در آخر مصراع ها بعد از قافیه می آیند و عیناً تکرار می شوند ردیف نام دارد

نکته: قافیه اجباری و ردیف اختیاری است.

مثال: - چیزی نپرس حال دلم **روبراه نیست** بگذر که شرح قصه من **دل بخواه نیست**

- نسبت عشق به من نسبت جان است به **تن** تو بگو من به تو مشتاق ترم یا تو به **من**

تفاوت زبان و ادبیات:

زبان: زبان ابزاری است برای انتقال پیام و یا برقراری ارتباط.

ادبیات هدفش تنها برقراری ارتباط نیست

بلکه از ابزار زبان استفاده می کند تا پیامش را زیباتر، دلنشین تر و تاثیر گذارتر بیان کند

زبان به دنبال چه گفتن ادبیات به دنبال چگونه گفتن است



تاریخ ادبیات:



تاریخ ادبیات (ترم اول)

زندگی نامه پر یک از انشای کتاب مطالعه شود

- ۱_ نظامی گنجوی
- ۲_ خواجه عبدالله انصاری
- ۳_ شیخ محمود شبستری
- ۴_ قیصر امین پور
- ۵_ سعدی شیرازی
- ۶_ دکتر علی شریعتی
- ۷_ بیدل دهلوی
- ۸_ مولوی
- ۹_ محمد جواد محبت
- ۱۰_ نادر ابراهیمی
- ۱۱_ پروین اعتصامی
- ۱۲_ عباس اقبال آشتیانی
- ۱۳_ علامه جعفری

مستویان_ فروغ دانش



معنی و درک مطلب:

متولیان - فروغ دانش

– لغات مهم (۹ درس) و معنی شعرها (۵ شعر) و معانی متون و حکایت ها، (۶ متن و ۲ حکایت) از فایل های
ارسالی مطالعه شود.

– خودارزیابی ها و فعالیت های نوشتاری کتاب مرور شود.

– نکات ادبی، زبانی و مفهومی گفته شده در درس های مطالعه شود.



حالتون بخیر...

متولیان۔ فروغ دانش